

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



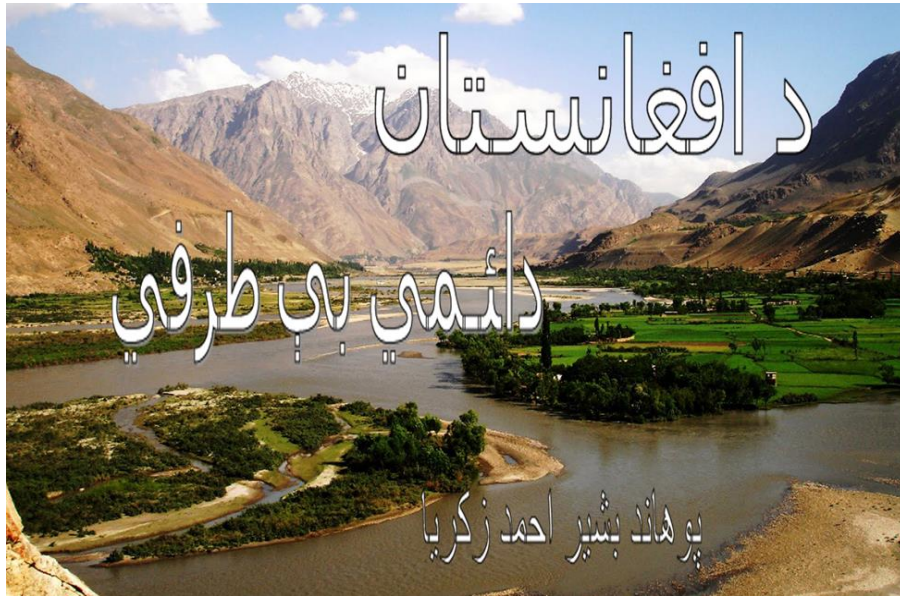
۲۰۱۹/۰۲/۰۶

پوهاند بشیر احمد زکریا
ترجمه: رحمت آریا

بی طرفی دائمی افغانستان

رساله تحقیقی

قسمت پنجم



د پاڼو شمېره: له ۱ تر ۵

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په خیر و لولئ

نقشه سویتزرلند



Note: The cover page image and the map of Afghanistan and ethnical map of Switzerland are borrowed from Google.com. Thanks Google.

یادداشت: تصویر جلد کتاب، نقشه افغانستان و نقشه اتنیکی کشور سویتزرلند از گوگل دات کام عاریه شده اند. تشکر گوگل.

تاریخ مختصر «بی طرفی» سویتزرلند

بسیاری از دانشمندان به این باور اند که سویتزرلند بدون بی طرفی عنعنوی خود هرگز نمی توانست منحصیث یک ملت آزاد و متحد باقی بماند.

اولین اجتماعات بشری ایندو - اروپائی ها در اروپای مرکزی شاید در حدود ۱۳۰۰ سال قبل از میلاد اقامت گزیده باشند. باستان شناسان مردمان آلپ را به نمادی از «اوتزی Ötzi» «مرد منجمد Iceman» شناخته اند. در بین سالهای ۳۰۰ تا ۱۰۰ قبل از میلاد در محیط جغرافیوی «ارتفاعات سویس» و «تیسینو Ticino» مردم «سلتیک Celtic» که بزبانهای «گال Gauls» صحبت میکردند اقامت گزین شدند: مردمان «هلویتی Helveti» و «ویندیلیسی Vindelici» در ساحات غربی و شرقی نقاط مرتفع سویس و مردم «لیپونتی Lepontii» در ساحات «لوگانو Lugano» مستقر شدند. مردمان غیر «سلتیک رایتی non-Celtic Raetians» در داخل یا وسط دره های سویتزرلند شرقی اقامت گزیدند. اکثریت این ساحات فقط از طریق کشف دفینه های فرهنگی «له تینا La Tène» آنان طی اکتشافات باستان شناسی یافت شده اند.

در سال پانزدهم قبل از میلاد بعد از اینکه لشکریان جولیس سیزار [Julius Caesar] «قیصر جولیس» پاسخ منفی یافتند، جنرالهای قیصر، «تایبریسی Tiberius» و «درسوس Darsus» کوه های آلپ و ساحات اطراف آن را فتح و آنرا به امپراتوری روم ملحق ساختند.

در دوره اخیر امپراتوری روم، تنصیر «عیسوی سازی» این ساحه آغاز و تا قرن چهارم بعد از میلاد ادامه یافت. بعد از انقراض امپراتوری روم غربی، اقوام جرمانیک به طرف کوه های آلپ کوچیدند. در میان قرن های پنجم

د پانو شمیره: له ۲ تره

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په څیر و لولئ

تا نهصد میلادی فرانکها هم به آن طرف کوچیدند. شارلمان فرانسه میدل به شاه مقتدر شد، و قتیکه در روم تاج شاهی بر سر نهاد خواستار احیای امپراتوری کهن روم شد و سرزمین های «سویزی Schwyz» که بعد «سویترز لند Switzerland» شد و بنام قلمرو «هلواتی ها Helvatican» نامیده میشد جزء از امپراتوری خود ساخت. متعاقب مرگ شارلمان، فرزندان ناشایسته وی بین هم چسبیدند، یکی شان فرانسه، دیگری ایتالیا و سومی جرمنی را از آن خود ساختند. قلمرو هلواتی ها سر انجام بخشی از امپراتوری جرمنی شد. گورنران «نائب السلطنه های» جرمن بالای اکثریت این سرزمین ها به نمایندگی از شاهان شان تا سال ۱۳۰۷م حکومت راندند، زمانیکه هر سه دره به تاریخ هفدهم نوامبر سال ۱۳۰۷م ابتکار اجلاس را رویدست گرفتند شب هنگام همین تاریخ، آنان خود را انسان های آزاد و مستقل اعلان کردند و ۳۰ نماینده اقوام هلواتی در علفزار های «روتلی Rutli» با آنها محلق شدند. هرچند آنان توافق نمودند که به حقوق سرداران و امرای خود احترام خواهند گذاشت ولی گورنر آستریا «هرمان گسler Hermann Gessler» که از این نیت شان خیلی مشکوک بود خواست نیت راستین مردم را به منصفه امتحان قرار دهد و تقاضا نمود تا برفراز ستون شهر «اوری Uri» کلاه دوک آستریایی گذاشته شود تا رعایا با ادای سلام به کلاه دوک، احترام خود را نشان دهند. تیر انداز شهیر «ویلیم تل William Tell» حین عبور از پهلوی ستون، به کلاه ادای احترام نه نمود! موصوف بلادرنگ نزد گورنر گسler برده شد و گورنر با نهیب صدای خشمگین خود جیغ کشیده گفت: «تو کماندار گستاخ! من مر ترا با وسایل خودت مجازات خواهم کرد؛ سببی را بر سر فرزند کوچک تو می نهم، برو تیر را رها کن! ولی هان هوش کن که تیرت خطا نرود!» عساکر کودک را به درختی بستند و بر سر کوچک او سببی را گذاشتند و به ویلیم تل گفتند: آنقدر از درخت دور برو تا ذره از نشانه را زده نتوانی! تیر از کمان جست و بطرف سر کودکی که با ترس می لرزید جهید. تیر سبب را دو نصف کرد. مردم هلهله و فریاد خوشی بر آوردند. گسler به ویلیم گفت، «چرا تیر دوم را از تیرکش «خریبه تیر» خود بیرون کردی؟» ویلیم تل گفت، «اگر تیر اول به سبب اصابت نمی کرد، یقین داشته باش که تیر دوم قلب ترا سوراخ میکرد.» گورنر عاقلانه فکر نه کرد و دست به محبوس ساختن ویلیم زد، زیرا از قیام و شورش تیر انداز شهیر «اوری» ترس داشت. بنابر این گسler با محبوس خود علی الرغم وزش شمال تند به عجله سوار کشتی شده و حرکت نمود.

هر اندازه که کشتی در آبهای توفانی پیش میرفت وحشت توفان هم لحظه به لحظه به شدت خود می افزود، کشتی در دریاچه میان- کوهی کوه های پر نشیب در حرکت بود و هر آن در معرض تهدید نشیب کوه ها و امواج مرتفع آب قرار داشت. گسler را که لرز و واهمه غرق شدن کشتی فرا گرفته بود فرمان داد تا زنجیر های ویلیم تل را خلاص نمایند تا با متخصص دستگاه هدایت کشتی یکجا دستگاه هدایت کشتی را بدست گیرد. ویلیم تل دستگاه هدایت کشتی را بطرف تخته سنگ کوچک کنار دریا چرخاند و از کشتی خیز زده پرید و باد و توفان کشتی را در میان امواج ناپدید ساخت. ویلیم تل بر فراز کوه های شیب دار سویز بالا رفت، نام کوه های سویز سرانجام به سویترز لند تحول یافت. هر قدریکه ویلیم تل بالا میرفت این افکار جدی در ذهنش خطور میکرد، «از غضب این مستبد به کدام طرف پرواز کنم؟ با وجودیکه از پنجه های تعقیب وی فرار کرده ام ولی او طفل و زخم را در خانه من گروگان گرفته است.

زمانیکه یک مقامدار وی در لندنبرگ چشمان پیرمرد منطقه «ملشتل Melchthal» را در بدل گناه شکستن یک انگشت خدمتگارش از حدقه کشید پس خود گسler با خانواده ام چی خواهد کرد؟ مادامیکه قانون حاکم نباشد پس کیست که میان من و تو حکمیت کند، من و تو، گسler، هر دو بی قانون هستیم، یگانه قاضی میان و تو حراست - خودی است. یا زوجه بی گناهم، طفلم و سرزمین آبیایی ام ساقط خواهند شد و یا تو ای گورنر گسler، تو! ترا از پا در خواهم انداخت و آزادی را حاکم.^[۱]»

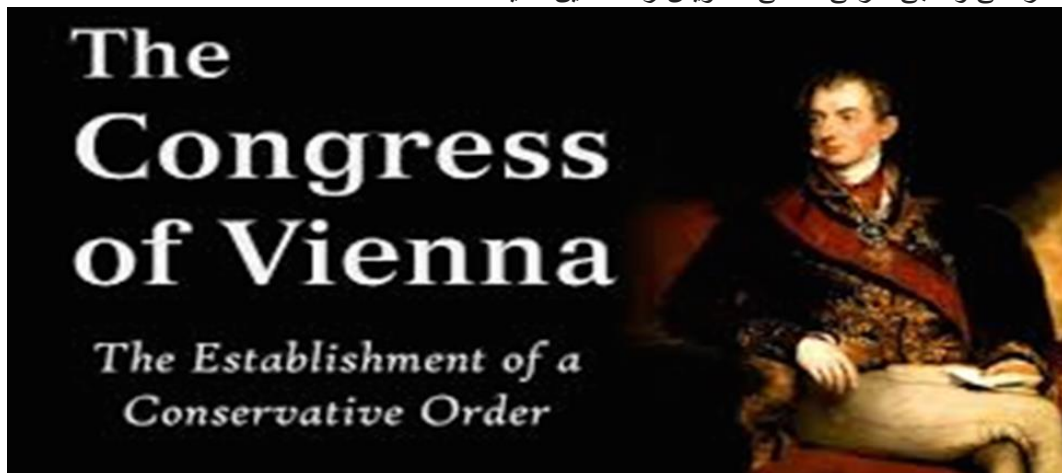


در طی قرون دهم و سیزدهم، کنفدراسیون سویس متعاقب فروپاشی امپراتوری کارولینجی Carolingian Empire ظهور کرد. مردم سویس علی الرغم جنگ های داخلی طی سالیان ۱۴۳۶ - ۱۴۵۰ با عبور از راه پر خم و پیچ و انقلابی بسوی کنفدراسیون، توانستند نواحی شمال و شرقی را تسخیر و امپراتور آستریایی را شکست دهند

¹ - Zschokke, Heinrich. The History of Switzerland for the Swiss People. Chapter Xii. "William Tell and the Three Men in Rutli", A.D. 1307; Wallachia Publishers; New York, NY: 53-56 Published 1855 & 2005

و شهزادگان جرمنی شرقی را مغلوب سازند و در قرن شانزدهم پاکسب اقتدار بیشتر به مثابه یکی از دولت های عمده اروپایی ظهور نماید. در قرن شانزدهم بود که مردم سوئیس از پرستیژ و اعتبار بی همتای نظامی برخوردار شدند و در قاره اروپا به اوج قدرت سیاسی خود رسیدند.^[۲] کنفدراسیون سوئیس در سال ۱۵۱۵م بعد از شکست در جنگ «مرینیانو Marignano» حینیکه سعی میکرد تا فرانسوی ها را از شمال ایتالیا برانند، رهبران سوئیس با بی میلی و اکراه با دشمنان خود گردن به مصالحه گذاشتند. سوئیس ها با وجود نداشتند زمین های کافی مزروعی و منابع طبیعی توانستند معابر ستراتیژیکی کوهستانات خود را حفظ کنند و در بدل حق دادن سربازان مزدور سوئیس به فرانسه، کمک مالی دولتی یا سببایدی بدست فرانسه را بدست آوردند. سوئیس ها منبع دست به لشکر کشی بخاطر تسخیر کدام منطقه نزدند و هیچ نوع ائتلاف تعرضی و یا دفاعی را با فرانسه نداشتند تا اینکه در سالهای ۱۶۶۳، ۱۷۱۵ و ۱۷۷۷م آنرا تجدید کردند.^[۳]

سوئیس اصطلاح «بی طرفی» را برای بار اول در قرن شانزدهم میلادی بکار برد. تنها بعد از جنگهای سی ساله در بین کانتون ها «ولایات» کاتولیکی و پروتستانت خود - «۱۶۱۸ - ۱۶۴۸م» - یعنی میان کاتولیکها و پروتستانتها، کنفدراسیون سوئیس پالیسی بی طرفی را منحیث سیاست خارجی خود روی دست گرفت، بدینگونه سوئیس خود را از خطر پارچه پارچه شدن که در اثر جنگ های مذهبی داخلی به میان آمده بود نجات داد و در جنگ های متعاقبی که در اروپا به میان آمد باز هم سیاست بیطرفی خود را حفظ نمود. لشکریان ناپلیون در سال ۱۷۹۸م بالای سوئیزرلند حمله کردند و ژنوا را بخود ملحق ساخته و مماثل به نام جمهوریت فرانسه، «جمهوریت هلوتی Helvetic Republic» را اعلان نمودند. بدینگونه سوئیزرلند مبدل بیک قمر فرانسه شد و سیاست عنعنوی بی طرفی را ترک کرد. ولی بعد از شکست ناپلیون در جنگ لیپزیک ۱۸۱۳م «Leipzig (1813)»، لشکرهای امپراتوریهای آستریا، پروس و روس، باوجودیکه دولت مرکزی سوئیس اعلان بی طرفی نموده بود، بر سرتاسر سوئیزرلند یورش بردند. در جریان کنفرانس ویانا منعقد سالهای ۱۸۱۴ - ۱۸۱۵م بخاطر ایجاد توازن قوا در اروپای متلاطم، وضعیت قانونی سوئیزرلند مبدل به نکته اساسی اجندای کنفرانس شد. به تاریخ بیستم ماه مارچ سال ۱۸۱۵م بود که قوتهای مؤتلفه نیت شان را مبنی بی طرفی سوئیزرلند بصورت دائم آشکار ساختند. سوئیزرلند در باره سرحدات خود که فرانسه پیش از پیش ژنوا «Geneva» و نوشه تل «Neuchatel» و سائر ساحات را طی جنگهای ناپلیون بخود ملحق ساخته بود خواستار وضاحت شد. زمانیکه ناپلیون از «البا Elba» فرار کرد و در پاریس ظاهر شد، این مذاکرات ناگهان متوقف شد. از سوئیس خواسته شد تا به نیرو های ائتلاف اجازه دهد تا از ساحات قلمرو سوئیس عبور نمایند. از اینکه تمامیت ارضی و بی طرفی دائمی سوئیس رسماً وعده شده بود، «دایت Diet» یا «جنرال اسمبلی» سوئیس اشغال خاک سوئیس را مشروط به این شرط قبول کرد که نیرو های ائتلاف از سوئیس خارج، تمامیت ارضی و «بی طرفی دائمی» سوئیس را تضمین نمایند.



به تاریخ بیستم نوامبر سال ۱۸۱۵م آستریا، برتانیای کبیر، پروس، روسیه، فرانسه و پرتگال طی توافقنامه دوم صلح، اولین گروپ امضاء کننده بودند که بی طرفی دائمی سوئیزرلند را تصدیق و «تمامیت ارضی و گزند ناپذیری»

² - Ditto. The History of Switzerland for the Swiss People.

³ - Sherman, Gordon E, "Neutrality of Switzerland," The American Journal of International Law 12, No.2 (April 1918): 241; and Baumgartner, "Neutralization of States," 12

سویترلند را رسماً ضمانت کردند.^[4] متعاقب آن در مدت خیلی کوتاه سویدن و هسپانیه گروپ دوم امضاء کننده شدند. از زمان مؤفقت کنفرانس بی نهایت مهم وینا به بعد توانایی سوئیس در دفاع از سرحدات خویش از طریق به حرکت انداختن تمام اردوی خود در جنگ اول و جنگ دوم جهانی که تعداد مجموعی آن به ۴۳۰۰۰۰ سرباز میرسید، عنصر حیاتی در مؤفقت بی طرفی دائمی آن کشور شده است. بدین طریق زمانی بود که آنها مردم سلحشور بزرگ و شهیر جهان بودند ولی حال همان مردم سلحشور، مردم صلح آور و مصلح جهان اند. «با نگاه به بی طرفی دائمی سوئیس» مردمان سوئترلند طی متجاوز از ۲۰۰ سال گذشته برخوردار از مزیت صلح و امنیت جاویدان اند و «بی طرفی دائمی» به آنها این توانایی را بخشیده تا ثروتمند ترین ملت جهان با چنان عاید سرانه بلند «تولیدات ناخالص داخلی per capita GDP» شود که تقریباً با ایالات متحده امریکا در این باب همسری میکنند، این تولیدات در ساحات انکشاف و توسعه صنایع خفیه اند مانند «محصولات کیمیای، ادویه جات، تولید ماشینری و وسایل برقی، وسایل اندازه گیری خیلی دقیق، ساعات، زیورات، محصولات زراعتی، وسایط نقلیه، منسوجات، چرم، رابر و پلاستیک اند.» مهمتر اینکه در میزان خوشحالتترین مردم جهان، امروز مردم سوئیس بعد از ناروی، دنمارک و ایسلند، به درجه چهارم بوده و خود را مسرورترین ملت جهان می پندارند.

چقدر فخر نصیب آن شخص خواهد بود که بگوید من از سوئترلند استم.
 "How proud is one who can to say I'm from Switzerland!"



پایان قسمت پنجم

[بی طرفی دائمی افغانستان. قسمت چهارم](#)

4 - Cronin, AK. A Sustainable Approach to Afghanistan's Neutralization. Sustaining Security: Rethinking American Security Strategy, Eds. Jeremi Suri & Benjamin Valentino. Tobin Project. Oxford University Press. 2016.

د پانو شمیره: له ۵ تر ۵

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
 یادونه: دلېکنې دلېکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ